

بسم الله الرحمن الرحيم

تاریخ : 1386/11/15

بحث بعدی ما ادعای اجماع اهل بیت علیهم السلام یا عترت است در منابع اهل سنت که اینان همگی در اذان، حی علی خیر العمل می گفتند.

ادعای اهل سنت مبنی بر اجماع اهل بیت علیهم السلام بر گفتن حی علی خیر العمل در اذان :

بحث ما در حی علی خیر العمل به اینجا رسید که 24 نفر از صحابه و تابعین و اتباع تابعین را ذکر کردیم که مقید بودند به حی علی خیر العمل در اذان. بحث امروز روی عبارتی است که در کتب اهل سنت و زیدی مذهب ها است مبنی بر اجماع اهل بیت علیهم السلام بر حی علی خیر العمل.

آقای حموی از استوانه های علمی اهل سنت و صاحب کتاب معجم الأدباء، از صنعانی در انصاب و در ترجمه عمر بن ابراهیم بن محمد متوفای 539 که از نواده های شهید زید است؛ بعد از شرح حال ایشان می گوید: من زیدی مذهب هستم، ولی بر مبنای ابوحنیفه فتوا می دهم؛ تا این که صنعانی می گوید:

وكنت أألمه طول مقامی بالكوفة في الكور الخمس ما سمعت منه في طول ملازمتي له شيئاً في الاعتقاد أنكرته غير
أني كنت يوماً قاعداً في باب داره وأخرج لي شذرة من مسموعاته وجعلت أفتقد فيها حديث الكوفيين فوجدت فيها
جزءاً مترجماً بتصحيح الأذان بحي علي خیر العمل فأخذته لأطالعه فأخذه من يدي وقال هذا لا يصلح لك له طالب
غيرك ثم قال ينبغي للعالم أن يكون عنده كل شيء فإن لكل نوع طالباً.

من در مدتی که در کوفه ملازم وی بودم، چیزی بر خلاف عمل اهل سنت از او ندیدم جز این که روزی در منزل او نشسته بودم و یک اوراقی از نوشته هایش را برای من در آورد و دیدم در آنجا نوشته تصحیح الأذان بحی علی خیر العمل؛ برداشتم که مطالعه کنم، ایشان از من گرفت و گفت که صلاح نیست شما این جزوه را بخوانی، اینها یک طالب و مشتری دارد که شما آن نیستی؛ بعد از این که فهمیدم من موضوع را فهمیدم گفت: سزاوار است برای عالم که همه چیز داشته باشد و هر نوعی از علوم یک طالبی دارد.

معجم الأدباء أو إرشاد الأريب إلي معرفة الأديب، ج 4، ص 428، اسم المؤلف: أبو عبد الله ياقوت بن عبد الله الرومي الحموي، الوفاة: 626، دار النشر: دار الكتب العلمية - بيروت - 1411 هـ - 1991م، الطبعة: الأولى.

بزرگان شیعه در گفتن «حی علی خیر العمل» در تقیه به سر می بردند :

اینها نشان می دهد که، عده ای از بزرگان شیعه که در تقیه به سر می بردند، یک کتابچه یا جزوه ای داشتند مربوط به تصحیح حی علی خیر العمل، در اختیارشان بوده و مقید بودند که افراد بیگانه آن را نبیند.

از علمای بزرگ اهل سنت شوکانی است که مذهب زیدیه دارد و حتی وهابیت نیز برای او ارزش بسیاری قائل است و مطلب زیبا و مفصلی در این زمینه دارد که حیف است آن را نگوییم، وی می گوید:

وَالْتَّوْبُ زِيَادَةٌ ثَابِتَةٌ فَالْقَوْلُ بِهَا لَازِمٌ، ... وَالْحَدِيثُ لَيْسَ فِيهِ ذِكْرُ حَيِّ عَلِيِّ خَيْرِ الْعَمَلِ وَقَدْ ذَهَبَتْ الْعِثْرَةُ إِلَيَّ إِثْبَاتِهِ وَأَنَّهُ بَعْدَ قَوْلِ الْمُؤَدِّنِ حَيِّ عَلِيِّ الْفَلَاحِ قَالُوا يَقُولُ مَرَّتَيْنِ حَيِّ عَلِيِّ خَيْرِ الْعَمَلِ وَنَسَبَهُ الْمُهْدِي فِي الْبَحْرِ إِلَيَّ أَحَدِ قَوْلِي الشَّافِعِيِّ وَهُوَ خِلَافٌ مَا فِي كِتَابِ الشَّافِعِيَةِ فَإِنَّا لَمْ نَجِدْ فِي شَيْءٍ مِنْهَا هَذِهِ الْمَقَالَةَ بَلْ خِلَافٌ مَا فِي كِتَابِ أَهْلِ الْبَيْتِ قَالَ فِي الْاِئْتِصَارِ إِنَّ الْفُقَهَاءَ الْأَزْبَعَةَ لَا يَخْتَلِفُونَ فِي ذَلِكَ يَعْنِي فِي أَنَّ حَيِّ عَلِيَّ خَيْرِ الْعَمَلِ لَيْسَ مِنْ أَلْفَاظِ الْأَذَانِ وَقَدْ أَنْكَرَ هَذِهِ الرَّوَايَةَ الْإِمَامُ عَزُّ الدِّينِ فِي شَرْحِ الْبَحْرِ وَغَيْرُهُ مِمَّنْ لَهُ أَطْلَاعٌ عَلَيَّ كِتَابِ الشَّافِعِيَةِ ، (اَخْتَجُّ الْقَائِلُونَ بِذَلِكَ) بِمَا فِي

كُتِبَ أَهْلُ الْبَيْتِ كَأَمَالِي أَحْمَدَ بْنِ عَيْسَى وَالتَّجْرِيدِ وَالْأَحْكَامِ وَجَامِعِ آلِ مُحَمَّدٍ مِنْ إِبْطَاتِ ذَلِكَ مُسْنَدًا إِلَى رَسُولِ اللَّهِ قَالَ فِي الْأَحْكَامِ وَقَدْ صَحَّ لَنَا أَنَّ حِيَ عَلِيَّ خَيْرَ الْعَمَلِ كَانَتْ عَلِيٌّ عَهْدِ رَسُولِ اللَّهِ يُؤَدُّنُ بِهَا وَلَمْ تُطْرَحْ إِلَّا فِي زَمَنِ عُمَرَ وَهَكَذَا قَالَ الْحَسَنُ بْنُ يَحْيَى رُوِيَ ذَلِكَ عَنْهُ فِي جَامِعِ آلِ مُحَمَّدٍ وَبِمَا أَخْرَجَ الْبَيْهَقِيُّ فِي سُنَنِهِ الْكُبْرِيِّ بِإِسْنَادٍ صَحِيحٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عُمَرَ أَنَّهُ كَانَ يُؤَدُّنُ بِحِيَ عَلِيَّ خَيْرَ الْعَمَلِ أَحْيَانًا. وَرُوِيَ فِيهَا عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ أَنَّهُ قَالَ هُوَ الْأَذَانُ الْأَوَّلُ وَرَوَى الْمُجِيبُ الطَّبْرِيُّ فِي أَحْكَامِهِ عَنْ زَيْدِ بْنِ أَرْقَمَ أَنَّهُ أَذَّنَ بِذَلِكَ قَالَ الْمُجِيبُ الطَّبْرِيُّ رَوَاهُ بْنُ حَزْمٍ وَرَوَاهُ سَعِيدُ بْنُ مَنْصُورٍ فِي سُنَنِهِ عَنْ أَبِي أُمَامَةَ بْنِ سَهْلِ الْبَدْرِيِّ وَلَمْ يَزِدْ ذَلِكَ مِنْ طَرِيقٍ غَيْرِ أَهْلِ الْبَيْتِ مَرْفُوعًا وَقَوْلُ بَعْضِهِمْ وَقَدْ صَحَّحَ بِنَ حَزْمٍ وَابْنِ بَيْهَقِيٍّ وَالْمُجِيبُ الطَّبْرِيُّ وَسَعِيدُ بْنُ مَنْصُورٍ ثُبُوتَ ذَلِكَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ.

تثویب (الصلاة خیر من النوم) در اذان، ثابت و گفتن آن لازم است، حدیثی که در اذان است و مشتمل بر تثویب است، ذکر حی علی خیر العمل را ندارد؛ عترت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) همگی نظرشان بر اثبات حی علی خیر العمل در اذان است و مؤذن دو مرتبه حی علی خیر العمل را بعد از حی علی الفلاح می گوید. صاحب کتاب البحر الزخار گفته: یکی از نظرات شافعی، حی علی خیر العمل است. در کتاب های شافعی، ما این نظریه را ندیدیم. شوکانی در انتصار می گوید: فقهای چهارگانه در این قضیه اختلاف ندارند که حی علی خیر العمل در اذان نیست، کسانی که معتقد به حی علی خیر العمل هستند احتجاج کرده اند در کتاب های مذهب اهل بیت علیهم السلام مثل امالی احمد بن عیسی و تجرید و احکام و جامع آل محمد، بر اثبات حی علی خیر العمل و نسبت داده اند آن را به رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم)؛ در کتاب احکام گفته اند: حی علی خیر العمل در زمان رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) بوده، و به حی علی خیر العمل اذان داده می شد و حی علی خیر العمل کنار گذاشته نشد جز در زمان عمر؛ همچنین بیهقی در سنن کبری با سند صحیح از عبدالله بن عمر آورده که او گاهی حی علی خیر العمل را در اذان می گفت و از علی بن حسین (علیهما السلام) روایت می کند که این اذان اول است، و... این نظریه سعید بن

منصور از ابي امامه و زيد بن ارقم از غير طريق اهل بيت (عليهم السلام) نيامده، و ابن حزم و طبري و بيهقي و طبري با سند صحيح آورده اند كه علي بن حسين عليه السلام در اذان مقيد بوده به حي علي خير العمل.

نيل الأوطار من أحاديث سيد الأختار شرح منتقى الأخبار، ج 2، ص 19، اسم المؤلف: محمد بن علي بن محمد الشوكاني، الوفاة: 1255، دار النشر: دار الجيل - بيروت - 1973

القاضي زيد بن محمد بن كلاري كه از بزرگان زيديه و از اتباع المؤيد بالله، كه از ائمه زيديه است مي گويد:

التأذين به (أي بحي علي خير العمل) إجماع أهل البيت لا يختلفون فيه، و لم يرو عن أحد منهم منعه و إنكاره، و إجماعهم عندنا حجة يجب إتباعها.

اجماع اهل بيت عليهم السلام اين است كه حي علي خير العمل را در اذان مي گفتند و هيچكدام اختلافي ندارند؛ از هيچيك از اهل بيت عليهم السلام در منع و انكار حي علي خير العمل روايتي وارد نشده است؛ و اجماع اهل بيت عليهم السلام نزد ما حجت و تبعيت از اين اجماع براي ما واجب است.

شرح قاضي زيد للتحريير

محمد بن مطهر متوفاي 728 مي گويد:

و يؤذن بحي علي خير العمل، و الوجه لذلك إجماع أهل البيت.

اذان بايد به حي علي خير العمل باشد و اين به خاطر اجماع اهل بيت (عليهم السلام) است.

المنهج الحلي شرح مسند الإمام زيد بن علي، ج 1، ص 77.

علامه صلاح بن احمد متوفاي 1048 مي گوید:

أجمع أهل البيت علي التأذين بحی علي خير العمل.

اهل بيت عليهم السلام اجماع دارند بر اذان به حی علي خير العمل.

شرح الهداية، ص 294.

علامه شرفي متوفاي 1055 مي گوید:

و علي الجملة فهو (أي الأذان بحی علي خير العمل) إجماع أهل البيت و إنما قطعه عمر.

حی علي خير العمل اجماع اهل بيت عليهم السلام است و کسی که حی علي خير العمل را از اذان جدا کرد، عمر بن خطاب بود.

ضیاء ذوی الأبصار، ج 1، ص 61.

و علامة محقق حسن بن أحمد جلال متوفاي 1048 هجري مي گوید:

إتفاق العترة علي التأذين بحی علي خير العمل: و إجماع العترة و علي عليهم السلام معصومان عن تعمد البدعة.

اجماع اهل بيت عليهم السلام و علي عليه السلام بر حی علي خير العمل است که اینان معصوم از بدعت هستند.

حی علي خير العمل بين الشرعية و الإبتداع، ص 72.

آقاي محمد سالم عزان كه محقق كتاب الأذان بحي علي خير العمل حافظ علوي است مي گويد:

قال شيخنا السيد العلامة مجد الدين قد صح إجماع اهل البيت.

اجماع أهل بيت (عليهم السلام) براي ما ثابت شده و صحيح است به حي علي خير العمل.

همچنين در امالي احمد بن عيسي از علماي بزرگ زيدي مذهب مي گويد:

ذهب آل محمد أجمع إلي إثبات حي علي خير العمل مرتين في الأذان بعد حي علي الفلاح.

تمام آل محمد (عليهم السلام) نظرشان اثبات حي علي خير العمل است.

در شرح أزهار، جلد 1، صفحه 223 مي گويد:

و منهما (من جملة الاذان و الإقامة) حي علي خير العمل، للأدلة الواردة المشهورة عند ائمة العترة و شيعتهم و أتباعهم و كثير من الأمة المحمدية التي شحنت بها كتبهم، قال الهادي إلي الحق يحيي بن الحسين عليكم في الأحكام و قد صح لنا أن حي علي خير العمل كانت علي عهد رسول الله صلي الله عليه و آله يؤذنون بها و لم تطرح إلا في وقت عمر بن الخطاب رضي الله عنه، فإنه أمر يطرحها و قال أني أخاف أن يتكل الناس علي ذلك و يتركون الجهاد.

حي علي خير العمل هم جزء اذان و اقامه است به خاطر أدله اي كه وارد شده و مشهور است نزد ائمه عترت (عليهم السلام) و شيعه و اتباع عترت و أكثر امت رسول اكرم (صلي الله عليه و آله و سلم)، و كتاب هايشان هم مملو از حي علي خير العمل است. و جناب هادي إلي الحق در كتاب احكام مي گويد: اذان به حي علي خير العمل از بين نرفت و

منع نشد، مگر در زمان عمر بن خطاب که او امر کرد به کنار گذاشتن حي علي خير العمل، و مي گفت مي ترسم مردم به نماز اشتغال بورزند و از جهاد بمانند.

أما حي علي خير العمل فلم تزل علي عهد رسول الله حتي قبضه الله، و في عهد أبي بكر حتي مات، و إنما تركها عمر و أمر بذلك و فقيل له: لم تركتها؟ قال لئلا يتكل الناس عليها و يتركوا الجهاد.

در زمان رسول اکرم (صلي الله عليه و آله و سلم) تا آخرين لحظات عمرش، حي علي خير العمل گفته مي شد، در زمان ابوبکر هم حي علي خير العمل بود تا اين که از دنيا رفت، در زمان عمر، عمر دستور به ترك آن داد و گفته شد که چرا آن را ترك کردي؟ گفت ترسيدم که مردم تکیه کنند بر نماز و جهاد را ترك کنند.

المنتخب، ص30.

بعدا إن شاء الله خواهیم گفت که ترك حي علي خير العمل، نوعي مخالفت با ائمه عصمت و طهارت (عليهم السلام) بود؛ چون در روايات شيعه و در برخي روايات أهل سنت آمده که تعبیر کرده اند حي علي خير العمل را به ولايت اهل بيت (عليهم السلام) يا به ولايت علي (عليه السلام).

صنعاي از علمای بزرگ زيدي و مورد توجه وهابيت است، مي گوید:

إن صح أجماع أهل البيت (يعني علي شرعية حي علي خير العمل)، فهو حجة ناهضة.

اگر صحيح باشد اجماع أهل بيت (عليهم السلام) (يعني اجماع بر شرعي بودن حي علي خير العمل)، اين يك حجت محكم است.

حي علي خير العمل بين الشرعية و الإبتداع، ص 68 - البحر الزخار، ج 2، ص 191 - شرح الأزهار، ج 1، ص 223 -

الأحكام، ج 1، ص 84.

و همچنین نقل می کند از مقبلی ائمه زیدی مذهب:

و لو صح ما ادعی من وقوع إجماع أهل البيت في ذلك، لكان أوضح حجة.

اگر ادعای اجماع اهل بیت (علیهم السلام) برای ما ثابت شود، واضحترین حجت است.

مقدمه الأذان بحی علی خیر العمل محمد سالم عزان، ص 17 .

إن ابن تیمیه ذهب في منهجه علي بدعة حي علي خیر العمل في الأذان فهذا تشدد منه، نحن لا نوافق معه في ذلك.

ابن تیمیه در کتاب منهج السنه خود ادعا کرده که حی علی خیر العمل در اذان بدعت است و این افراطی گری است و ما در این مورد با او موافق نیستیم.

حاشیه منهیه، ص 2 (عبارت ابن تیمیه در منهج السنه، ج 4، ص 165)

در مراتب الإجماع ابن حزم اندلسی، محقق او می گوید:

فلا يكون هذا بدعة الروافض كما يزعم ابن تیمیه.

بعد از نقل از ابن حزم که صحیح است روایت حی علی خیر العمل از امیرالمؤمنین (علیه السلام) و امام حسن (علیه السلام) و امام حسین (علیه السلام) و... می گوید: این جمله ابن تیمیه که حی علی خیر العمل بدعت شیعه است، صحیح نیست.

مراتب الإجماع ابن حزم، ص 27.

ما 24 مورد از صحابه و تابعین و اتباع تابعین نقل کردیم که مقید به گفتن *حي علي خير العمل* در اذان بودند؛ بزرگان زیدی و شافعی مذهب را ذکر کردیم بر این که ادعای اجماع اهل بیت (علیهم السلام) بر *حي علي خير العمل* را دارند؛ ولی متأسفانه عده ای که دنبال احیاء سنت اموی بودند، همان را ادامه می دهند.

در صحیح بخاری و مسلم صراحت دارد بر کیفیت صلوات وقتی از پیامبر (صلي الله عليه و آله و سلم) بعد از نزول آیه 56 سوره احزاب:

إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا.

خدا و فرشتگانش بر پیامبر درود می فرستد ای کسانی که ایمان آورده اید، بر او درود فرستید و سلام گوید و کاملاً تسلیم (فرمان او) باشید.

سوره الاحزاب (33)، آیه 56.

سؤال شد که چگونه صلوات بفرستیم بر شما؟ فرمود این گونه صلوات بفرستید:

اللهم صل علي محمد و علي آل محمد كما صليت علي ابراهيم و آل ابراهيم.

خدایا بر محمد و خاندانش درود فرست همان گونه که بر ابراهیم و خانواده او درود فرستادی.

صحیح بخاری، ج 7، ص 156 - مجمع الزوائد هیثمی، ج 2، ص 144 - فتح الباری، ج 11، ص 139 - عمدة القاری،

ج 15، ص 263 - سنن کبری بیهقی، ج 1، ص 384 - سنن نسائی، ج 6، ص 17 - معجم کبیر طبرانی، ج 17، ص

252 - شرح مسلم نووی، ج 4، ص 124.

این متن صحیح بخاری است؛ ولی اهل سنت، غیر از نماز این را نمی گویند؛ نه در سخنرانی و نه در خطبه های نماز جمعه و....

آقای صاوی از علمای بزرگ اهل سنت است و کتابی دارد در اعراب قرآن و حاشیه دارد بر تفسیر جلالین:

ولا يجوز تقليد ما عدا المذاهب الأربعة و لو وافق قول الصحابة و الحديث الصحيح و الآية، فالخارج عن مذاهب الأربعة ضال مضل؛ و ربما عده ذلك للكفر، لأن الأخذ بظواهر الكتاب و السنة من أصول الكفر

غیر از مذاهب اربعه، جائز نیست از دیگری تقلید کنیم؛ حتی اگر با قول صحابه و حدیث صحیح و آیه قرآن موافق باشد. یعنی اگر آیه قرآن و حدیث صحیح داشتیم که مخالف قول مذاهب اربعه بود، باید آن را کنار بگذاریم و به نظر ائمه اربعه عمل کنیم؛ هر کس خارج از مذاهب اربعه عمل کند، هم گمراه است و هم گمراه کننده؛ چه بسا به کفر می رساند او را؛ زیرا عمل به ظواهر کتاب و سنت، از اصول کفر است.

حاشیه صاوی بر تفسیر جلالین، ج 2، ص 10، چاپ دار إحياء التراث العربي

باید این را بزرگنمایی کرد و در هر سایت و وبلاگ شیعه آورد.